

جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین)

ISSN 2345-2382

سال نخست، جستار شماره ۲۴؛ انتشار ۱۳۹۲/۹/۲۱

کارکرد و توانمندی؛

بنیان‌های اخلاق توسعه در دیدگاه سین و نوسبام (نویسنده: دیوید کراکر)

مترجم: محمدتقی جان‌محمدی

پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

مشخصات کتاب‌شناختی این اثر:

کراکر، دیوید (۱۳۹۲). کارکرد و توانمندی؛ بنیان‌های اخلاق توسعه در دیدگاه سین و نوسبام، ترجمه محمدتقی جان‌محمدی، جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین)، سال نخست، جستار شماره ۲۴. نشانی دسترسی اینترنتی:
<http://jostar.mrsi.ir/Vol.1/jostar24.pdf>

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

<http://www.mrsi.ir>

Email: mrsi@chmail.ir

نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین»، به طور خاص برای انتشار بخشی از تأملات و تحقیقات پژوهشگران رویکرد «توسعه تعالی‌بخش» انتشار می‌یابد؛ ولی موضوع عام این نشریه «مسئله توسعه» است؛ و آثار تألیفی و ترجمه‌ای که با رویکردهای مختلف در موضوع توسعه به نگارش درآمده‌اند نیز در آن منتشر می‌شود. برای دسترسی به مقالات نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین» به سایت این نشریه مراجعه کنید.

<http://www.jostar.mrsi.ir>

Email: mobin.jostar@chmail.ir

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

«جستارهای مبین»؛ سال نخست، جستار شماره ۲۴

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۹/۲۱

ISSN 2345-2382

کارکرد و توانمندی؛ بنیان‌های اخلاق توسعه در دیدگاه سن و نوسبام

نویسنده: دیوید کراکر

مترجم: محمدتقی جان‌محمدی

دیوید کراکر، از پژوهشگران برجسته‌ی اخلاق توسعه در دو مقاله به تبیین دیدگاه سن و نوسبام درباره‌ی رویکرد توانمندی پرداخته است. او خود این دو مقاله را تلخیص و منتشر ساخته است که مطلب حاضر ترجمه‌ی همان است.

نه تنها نمایانگر شکست علمی، فنی و سیاسی است بلکه نمایانگر شکست اخلاقی و مفهومی نیز هست. «اخلاق توانمندی»^۴ به این منظور توسط ایشان مورد پیگیری قرار گرفته است که چشم‌انداز هنجاری جدیدی به نظریه و عمل توسعه‌ی بین‌المللی فراهم آورد؛ ضمن اینکه این اخلاق مبتنی بر سنت‌های مارکسیستی و ارسطویی و نیز مفهوم مرتبط با آنها یعنی

این مقاله^۱ راجع به پیکره‌ی تنومند کاری است که توسط اقتصاددان معاصر «آمارتیا سن»^۲ و فیلسوف معاصر «مارتا نوسبام»^۳ اقامه شده است؛ کاری که اخلاق مهم و جدیدی را برای توسعه‌ی بین‌المللی ارائه و مورد سنجش و ارزشیابی قرار می‌دهد. سن و نوسبام بر این عقیده‌اند که گرسنگی، محرومیت و فقر جهانی

۱. این مطلب ترجمه‌ی خلاصه‌ی مقاله‌ای دویخی است که مشخصات کتابشناختی آن به شرح زیر است:

Crocker, David.A, "Summary of Functioning and Capability: The Foundations of Sen's and Nussbaum's Development Ethic, Parts 1 and 2", in *HUMAN WELL-BEING AND ECONOMIC GOALS*, edited by Frank Ackerman et al., ISLAND PRESS, 1997, pp 301-308.

2. Amartya Sen

3. Martha Nussbaum

4. capability ethic



رهیافت‌های کالایی^۵

برای ارزشیابی رهیافت‌های اخلاقی مختلف به مفهوم توسعه، ضروری است ابتدا چند سؤال بنیادین مطرح شود: چگونه انسان‌ها به تحقق زندگی خاص خودشان قادر می‌شوند؛ در این میان چه چیزهایی ذاتاً و چه چیزهایی به نحو ابزاری حائز ارزش هستند؛ و نیز چه چیزهایی باید به مثابه اهداف نهایی توسعه لحاظ شوند. ضروری است مقولات بنیادین اخلاقی (مثل برآورده شدن نیازهای خاص و یا حرمت نهادن به برخی حقوق) که به عنوان بنیان تعریف و ارزشیابی سایر مفاهیم اخلاقی به کار خواهند رفت در ابتدا مشخص شوند. سن و نوسبام بر این باورند که این مقوله‌ی بنیادین عبارت است از «فضای اخلاقی کارکردها و توانمندی‌های انسان» [590].

رهیافت کالایی «خام»، مقولات اخلاقی بنیادین را بر حسب کالاها و یا تجهیزاتی تعریف می‌کند که آن‌ها را به مثابه مبنا و یا خیر ذاتی آدمی می‌بیند. این رهیافت به درستی تصدیق می‌کند که رشد مادی برای توسعه ضروری است، اما بیش از حد به کالا و تجهیزات توجه می‌کند و معتقد است که همین‌ها مایه‌ی تبدیل اسباب به غایات هستند. سن و نوسبام استدلال می‌کنند که کالاها فی‌نفسه هیچ ارزشی ندارند، بلکه اهمیت و ارزش آن‌ها صرفاً موکول به آن چیزهایی است

«شکوفندگی انسان»^۵ است. مرور حاضر پیش از پرداخت تفصیلی‌تر به چشم‌انداز توسعه‌ی مبتنی بر کارکردها^۶ و توانمندی‌ها^۷، با ارزشیابی فروض اخلاقی شماری از رهیافت‌های متفاوت توسعه آغاز می‌کند و سپس جایگاه اخلاق سن و نوسبام را در درون این بافت تعیین می‌کند.

بخش اول: رهیافت‌های اخلاقی بدیل

بر طبق دیدگاه سن و نوسبام، توسعه ذاتاً مفهومی ارزش‌بنیان است، زیرا برای تعریف «تغییر اجتماعی مطلوب» و نیز «دستیابی به زندگی بهتر برای انسان‌ها» معیارهایی را فراهم می‌آورد. از این رو، به طور ویژه تمایز نهادن میان اسباب (مثل افزایش GNP سرانه) و غایات (مثل بهروزی عالی‌تر و نیز آزادی برای دستیابی به این غایات) امری مهم است. اصول اخلاق برای تعریف و اعطای معنا به چنین اموری ضروری‌اند. بنابراین بهترین تعریف توسعه بر حسب دو اصطلاح «کارکردها» و «توانمندی‌ها» است (یعنی آنچه که انسان‌ها می‌توانند و باید قادر به انجام آن‌ها شوند)؛ و هدف سیاست‌گذاری توسعه عبارت است از «تقویت برخی از کارکردهای انسانی و بسط توانمندی‌های انسان برای چنین کارکردی» [585]. مناسب است پیش از پرداخت تفصیلی به این رهیافت، نخست بدیل‌های آن را مرور کنیم.

5. human flourishing
6. functionings
7. capabilities
8. commodity Approaches



در مقابل «نظریه‌ی ستبر»^۹، نام گیرد که مفاهیم خاصی از منزلت انسانی را تعریف می‌کند که افراد و دولت باید به سوی آن شایق باشند. رالز بیشتر به تصدیق اهمیت اخلاقی آزادی فردی می‌پردازد. اما سن اظهار می‌دارد که افراد نه تنها در خصوص غایاتی که انتخاب می‌کنند متفاوت‌اند، بلکه در اینکه چگونه کالاها را به آزادی برای دنبال کردن آن غایات تبدیل کنند نیز تفاوت دارند؛ «نیروها و توان‌های ما برای ساختن آزادی در زندگی‌هایمان نابرابر است، حتی در زمانی که بسته‌ی مشابهی از کالاها را در اختیار داشته باشیم»^{۱۰} رالز بررسی خود را به آزادی سلبی و یا رفع مانع از طرف دیگران محدود می‌کند، اما اگر که افراد باید گزینه‌های معتبری برای انتخاب راه‌های مختلف زندگی داشته باشند پس آزادی‌های ایجابی و یا آزادی از موانعی که به واسطه‌ی شرایطی نظیر فقر و جهل اعمال می‌شود نیز ضروری‌اند.

رهیافت رفاه (فایده‌گرایی)

رهیافت‌های کالایی درحالی‌که انسان‌ها را نادیده می‌گیرند بر روی کالاها تأکید بیش از حد دارند. رهیافت‌های رفاه، ازجمله فایده‌گرایی^{۱۱}، بهروزی^{۱۲} و توسعه‌ی کالاها را وجوهی از خود افراد می‌دانند، درعین‌حال بر مطلوبیت فردی (که یک حالت ذهنی صرف برای

که می‌توانند برای انسان‌ها به همراه آورند و آنچه که انسان‌ها از طریق آن‌ها امکان تحققشان را دارند. افزون بر این مطلب، باید توجه داشت که تغییرپذیری فرهنگی و شخصی موجب می‌شود افراد در نیاز به کالاها و مطلوبیت حاصل از آن‌ها با یکدیگر همسان نباشند. بسیار محتمل است که بسته‌های متفاوت کالایی بتوانند کارکردهای انسانی مشابهی را برای شخص معین به بار آورند و یا اینکه بسته‌ای مشابه، توانمندی‌های متفاوتی را برای افراد متفاوت محقق کنند. برخی کالاها و تجهیزات می‌تواند موجب خسارت به برخی و موجب کمک به دیگران شوند، ضمن اینکه لزوماً داشتن کالا امر مطلوبی نیست و حتی در بسیاری موارد مثلاً در زمانی که فرد از کالایی بیش از حد داراست می‌تواند نامطلوب باشد.

جان رالز^{۱۳} مدلی پیچیده‌تر از رهیافت کالایی ارائه می‌دهد. او بحث «کالا‌های اولیه‌ی اجتماعی» را مطرح می‌کند؛ مواردی نظیر حقوق و آزادی‌ها، درآمد و ثروت و نیز فرصت‌ها که اموری هستند که افراد عاقل آن‌ها را می‌خواهند و به آن‌ها نیاز دارند. او این موارد را نه به عنوان غایات بلکه به عنوان ابزارهایی تلقی می‌کند که برای تحقق هر برداشت شخصی از زندگی خوب ضروری‌اند، حال آن برداشت هر چه می‌خواهد باشد. این تلقی می‌تواند «نظریه‌ی نحیف خیر»^{۱۴}،

9. John Rawls

10. thin theory of the good

11. thick theory

12. Utilitarianism

13. well-being



رهیافت نیازهای اولیه

رهیافت نیازهای اولیه^{۱۷} اهمیت آن نوعی از زندگی کردن که اشخاص قادر به تحقق آن هستند و انتخاب‌هایی که برای آن‌ها در دسترس است را مشخص می‌کند. این رویافت بر آن است که ارتقای بهروزی انسان امری منوط به رفع شماری از نیازهای اولیه و یا آن دسته از نیازهای انسانی است که ارتقادهنده‌ی زندگی خوب برای همگان است و آزادی برای انتخاب زندگی خوب را برای افراد فراهم می‌آورند. سن کاملاً با این رویافت هم‌دل است ولی بیان می‌کند که این رویافت فاقد بنیانی استوار است، زیرا در تشخیص ماهیت نیازها و یا در توجیه احتساب آن‌ها به عنوان مقولات اخلاقی بنیادی‌تر از کالاها، مطلوبیت، حقوق و یا کارکردهای انسانی ناتوان است. البته بازتفسیر نیازها به عنوان توانمندی‌ها، و نیز بازسازی رفع نیازها به مثابه ارتقای آزادی برای پیگیری کارکردهای ارزشمند، می‌تواند این ضعف را پوشش دهد.

ضعف دیگر رویافت نیازهای اولیه، گرایش به تحویل آن در صحنه‌ی عمل به رویافت کالایی است که خود با مسائل درونی مشابهی مواجه است. همچنین این رویافت بیش از حد به برآورده شدن سطح حداقلی از ارضای نیازها تأکید دارد، این در حالی است که فقدان فرصت برای تحقق کارکرد بالاتر و نیز وجود سطوح

افراد است) تأکید بیش از اندازه دارند. این در حالی است که دیگر وجوه بهروزی انسان را نادیده می‌گیرند. سن دو معضل اصلی برای رفاه‌گرایی^{۱۴} تشخیص می‌دهد که ناشی از تمرکز بر سطوح مطلوبیت فردی است. نخست اینکه رفاه‌گرایی صرفاً با بهروزی سروکار دارد، درحالی‌که عاملیت انسانی را کنار می‌گذارد؛ اما سن معتقد است که هر دو این‌ها یعنی هم بهروزی و هم عاملیت ابعاد بنیادین وجود انسان هستند. «انسان‌ها صرفاً تجربه‌گر و یا ارضاء‌کنندگان رجحانی^{۱۵} نیستند؛ آن‌ها علاوه بر این قاضی، ارزشیاب و عامل نیز هستند» [600]. ثانیاً در هیچ حالتی، مطلوبیت، خوشی^{۱۶} و یا تحقق میل، معیارهای مکفی برای بهروزی نیستند؛ شخصی که برخوردار از بسیار کمی دارد نیز می‌تواند خوشی را تجربه کند و بالعکس شخصی که برخوردار از بسیار دارد ممکن است تجربه‌ای از خوشی نداشته باشد، بنابراین این مبنایی ناقص برای قضاوت در خصوص بهروزی افراد و یا مهم‌تر از آن در خصوص وضع عدالت اجتماعی است. بنابراین مطلوبیت «در بهترین حالت، جزئی از زندگی خوب را به دست می‌دهد، ولی در بدترین حالت توجیه‌کننده‌ی محرومیت شدید و نابرابری است» [607].

14. Welfarism

15. preference satisfiers

16. happiness

17. the basic needs approach



عبارت است از آن بردار کارکردی^{۱۸} که او به دست می‌آورد».^[۲] توانمندی‌ها کاملاً به کارکردها مرتبط، ولی از آن‌ها متمایزند:

ترکیب کارکردهای بالفعل شخص، یعنی «بردار کارکرد» او، عبارت است از زندگی خاصی که او بالفعل بدان سائق است... «مجموعه‌ی توانمندی» شخص عبارت است از کل مجموعه‌ی کارکردهایی که «امکان‌پذیر»، یعنی در دسترس، بوده و شخص می‌تواند آن‌ها را انتخاب کند».^[159]

دو فرد می‌توانند مجموعه‌ی توانمندی مشابهی داشته باشند، اما مجموعه‌ی کارکردهای متفاوتی را برای تحقق یافتن انتخاب کنند؛ و یا ممکن است مجموعه‌ی مشابهی از کارکردها را با مجموعه‌ی توانمندی متفاوتی به دست آورند. مثال کلاسیک این موضوع که اهمیت توانمندی‌ها را برجسته می‌کند تفاوت بین گرسنگی و روزه‌داری است. برای شخصی با مجموعه‌ی توانمندی محدود شاید تنها انتخاب همان گرسنگی باشد، اما برای شخصی با مجموعه‌ی توانمندی وسیع، روزه‌داری می‌تواند انتخابی در بین گزینه‌های متعدد باشد. علاوه بر این، مطابق با اخلاق ارسطویی، توانمندی‌ها به این دلیل مهم هستند که کارکردها از میان گزینه‌های متعدد انتخاب می‌شوند، نه اینکه تعیین‌شده و یا تحمیلی باشند. افزون بر این، توانمندی‌ها ارزش ذاتی دارند زیرا آن‌ها آزادی

نابرابری که منافای با شکوفندگی انسانی و عزت نفس است را نادیده می‌گیرد. سین همچنین بر این باور است که مفهوم نیازها، در مقابل مفهوم فعال توانمندی‌ها، بیش از حد منفعل است. «اخلاق توانمندی ما را قادر می‌سازد تا بگوییم که عمل عمومی خوب همواره صدقه دادن به دریافت‌کنندگان منفعل نیست، بلکه افزایش دادن انتخاب‌های افراد و ارتقای توانمندی‌های افراد، از جمله توانمندی انتخاب ایشان، است».^[607]

بخش دوم: اخلاق توانمندی؛ بنیان‌ها

با چرخش به سمت اخلاق توانمندی‌ها و کارکردها می‌توان دریافت که سین و نوسبام تفاسیرشان از کارکردها اندکی متفاوت از هم است. از نظر سین کارکردها هم شامل فعالیت هدفدار انسان و هم حالات وجودی (یا حالات ذهنی) شخص است؛ مثلاً در مورد غذا او کارکردهای مرتبط با انتخاب غذا خوردن را به این ترتیب فهرست می‌کند: نفس عمل خوردن، لذت از خوردن، هضم، و نیز افعال اجتماعی مرتبط با خوردن. نوسبام دیدگاهی محدودتر را در پیش می‌گیرد. او انتخاب کردن و تجربه‌ی لذت را به عنوان کارکردهای جدا در نظر نمی‌گیرد و همین او را به نتایج تا حدودی متفاوت درباره‌ی ماهیت بهروزی انسان و نقش عاملیت می‌رساند. با این حال هر دو ایشان با این ادعای سین موافق‌اند که «وجه ابتدایی بهروزی شخص

18. the functioning vector



سین بین سطوح فرصتی که کم و بیش امکان‌پذیر هستند و نیز بین کارکردهای منفی و مثبت تمایز می‌نهد. به علاوه او کارکردهای ممکن و بالفعل را در سطوح کلی متفاوتی توصیف می‌کند؛ از فراگیرترین سطح (توانا بودن به کارکرد به نحو خوب) تا سطح خاص‌تر (مثل، توانا بودن به جابجایی و حرکت به پیرامون و یا راندن دوچرخه). هم سین و هم نوسبام بر این باور تأکید دارند که کارکردها و توانمندی‌های مختلف مقایسه‌ناپذیرند (یعنی آن‌ها نمی‌توانند توسط معیارهای عمومی و یا حتی معیارهای عمیق‌تری مثل مطلوبیت اندازه‌گیری و مقایسه شوند) ضمن اینکه هر یک از آن‌ها فی‌نفسه مهم و متمایز از دیگری است، تا جایی که فقدان یکی قابل جبران از طریق افزایش سرجمع دیگری نیست.

افزون بر این، سین و نوسبام، کارکردها و توانمندی‌ها را بر مبنای اهمیت رتبه‌بندی کرده و استدلال می‌کنند که هدف توسعه باید بسط و ارتقای توانمندی‌ها و کارکردهای ارزشمند باشد. البته گاهی اوقات در عمل ارزش‌گذاری دشوار می‌شود. از این رو سین ارائه‌ی فهرستی مشخص از توانمندی‌ها و کارکردهای ارزشمند را رد می‌کند، زیرا این تصمیم نسبتاً سیاسی است و روندی دمکراتیک را برای تعیین موارد آن می‌طلبد.^[۳] در سوی دیگر، نوسبام ده توانمندی ارزشمند را فهرست می‌کند، این در حالی است که به طرح «دیدگاهی ارسطویی در خصوص «کارکرد انسانی خوب» نائل می‌شود که مقدم بر آن فهرست است و پایه‌ای است برای لحاظ

ایجابی (یعنی گزینه‌های ارزشمند) برای زندگی را می‌افزایند.

توانمندی‌ها می‌توانند در نسبت با ویژگی‌های خاص و فرصت‌های کلی تعریف شوند؛ البته سین و نوسبام این مفهوم را به نحو متفاوتی تفسیر می‌کنند. هر چند که هر دو ایشان موافقاند که انتخاب همانا مؤلفه‌ی ضروری توانمندی‌ها است. سین برداشت خود از توانمندی‌ها را به امکانات و یا فرصت‌هایی محدود می‌کند که شخص عامل با آن‌ها مواجه می‌شود. «بنابراین برای سین توانمندی‌ها عبارت از آن نیروهای شخص نیستند که شاید در موقعیت‌های متفاوت تحقق یابند و شاید نه. بلکه آن‌ها گزینه‌هایی ... برای عملند» [163]. درعین حال نوسبام توانمندی‌ها را به مثابه ترکیبی می‌نگرد از نیروها و قوای درونی که فرد واجد آن شده است و نیز شرایط اجتماعی و مادی، یا توانمندی‌های بیرونی، که گزینه‌ها را ممکن می‌سازد. شاید بهتر باشد که مفهوم توانمندی‌های بیرونی به عنوان شرط لازمی تلقی شوند که توانمندی‌های درونی را تحقق می‌بخشند و درعین حال خود برای تحقق یافتن نیازمند فرصت‌های بیرونی هستند. پس توانمندی‌های بیرونی موکول به در دسترس بودن منابع، قانونی شدن حقوق و فقدان مانع است. البته رهیافت نوسبام توأم با تأکید فراوانی که بر قوای ارزشمند افراد دارد بسیار پرمایه‌تر از این دو بیان است.

چندین نوع متمایز از کارکرد و توانمندی‌ها توسط سین و نوسبام مشخص شده‌اند.

می‌کند (سن به کرات به بسیاری از موارد موجود در این فهرست اشاره می‌کند). نوسبام به هویت‌بخشی به این دو سطح متمایز می‌پردازد: سطح نخست که نسبت به دیگری مادون و زیرین است به لحاظ قابلیت‌ها (بالتوجه) ناظر به موجودی بسیار ضعیف است، چندان که می‌توان گفت ابدأ انسان نیست. اما درباره‌ی سطح دوم که تقریباً سطحی بالاتر است می‌توان حکم کرد که زندگی تحت آن، زندگی انسانی است اما زندگی خوب نیست. همین سطح دوم است که در زمان سیاست‌گذاری عمومی، نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند؛ به دلیل اینکه این الزام را پیش می‌نهد که وظیفه‌ی دولت خوب حصول اطمینان از این امر است که هر فردی (که قابل است) اگر اراده کند می‌تواند ورای سطح دوم زندگی کند، یعنی واجد زندگی خوب شود.

یک چالش بالقوه برای دیدگاه تکثرگرایانه و البته متفاوت سن و نوسبام درباره‌ی بهروزی، مسئله‌ی «تعارض اصول» است. تعارض اصول زمانی رخ می‌دهد که دو یا چند توانمندی ارزشمند به طور همزمان قابل انتخاب به عنوان کارکردهای بالفعل نباشند. البته سن استدلال می‌کند که این امر ممکن است. استدلال او مبتنی بر ادعای اشتراکی بودن ارزش‌ها، برای صورت‌بندی دست‌کم رتبه‌بندی‌های خاصی از کارکردهای ارزشمند، است. ضمن اینکه،

سن ... این نکته را یادآور می‌شود که بهتر است این امر «به نحو مبهمی درست» باشد تا «به نحو صریحی نادرست». بهتر است که در تشخیص گوناگونی کارکردهای

مسئولیت‌ها و ساختارهای یک چینش سیاسی عادلانه» [170].

برای نوسبام ... هدف دولت از توزیع منصفانه‌ی کالاهای اولیه‌ی رالز و آزادی‌های مثبت سن فراتر می‌رود، این هدف به همان پُراهمیتی است که هر دو این وظایف هستند. هدف محوری و مشخص‌تر قانون‌گذاران عادل باید این باشد [170] که توانمندی افراد برای زندگی کردن به صورت زندگی انسانی غنی و کامل را ارتقا بخشند.^[۴]

او در پی ایجاد اجماعی بین‌المللی درباره‌ی تعریف کلی و عام «کارکرد انسانی خوب» است که غیرمتافیزیکی بوده و می‌تواند مورد تصدیق همگان واقع شده و ادیان و سنت‌های متافیزیکی متفاوت را با هم وفق دهد. چنین تعریف بینا فرهنگی می‌تواند «بنیانی برای اخلاق جهانی و شرح بین‌المللی کاملی از عدالت توزیعی»^[۵] فراهم آورد.

حاصل «برداشت مبهم و ستبر» از انسان که توسط نوسبام ارائه شده است در دو سطح طرح می‌شود. سطح نخست با «قالب صورت انسانی زندگی» و یا «مقتضیات مقوم انسان» سر و کار دارد [171] و دربردارنده‌ی عواملی نظیر تصدیق و مخالفت با فناپذیری، نیازهای جسمانی اولیه، انتساب به دیگران، قابلیت تجربه‌ی لذت، درد و مزاح و نیز قابلیت استدلال و بازی است. سطح دوم، «توانمندی‌های کارکردی اولیه‌ی انسان» [174] و یا به بیان دیگر «فضایل» خاص مرتبط با عناصر مقوم سطح نخست را تعیین

رشدیافته تبدیل کنند» [181]. توانمندی‌های توسعه‌نیافته، نمایانگر «نیازها برای کارکرد» هستند، زیرا توانمندی‌های بالفعل ارزشمندتر از توانمندی‌های به طور کامل نهفته‌اند [181]. همچنین نیازها ضروری‌اند زیرا محدودیت‌های انسانی را انعکاس می‌دهند و بدون آن‌ها هیچ مبنایی که به واسطه‌ی آن دستاوردهای انسانی اندازه‌گیری شوند وجود نخواهد داشت.

سن ارزش والایی برای آزادی، به ویژه آزادی ایجابی، قائل است و این امر کاملاً به برداشت او از توانمندی‌ها مرتبط است. او استدلال می‌کند که اگر شخص گزینه‌های ارزشمندی (آزادی‌های ایجابی) را پیش رو نداشته باشد آزادی منفی کافی نخواهد بود (هر چند که به معنای آزادی از موانع بیرونی مهم است). در واقع «وجود برخی سیاست‌ها که مانع افراد باشد، به نحو مؤثر آزادی انسان برای انتخاب آنچه که ارزشمند است را از بین می‌برد».^[۶] سن همچنین بین آزادی بهروزی^{۱۹} یعنی «فرصت واقعی برای انتخاب و دستیابی به بهروزی» [184] و آزادی عاملیت^{۲۰} یا فرصت انتخاب‌له و یا علیه بهروزی شخصی فرد تمایز می‌نهد. این آزادی‌ها هم به عنوان غایات فی‌نفسه ارزش ذاتی دارند و هم به عنوان ابزارهایی که در دستیابی به اهداف ایفای نقش می‌کنند حائز ارزش ابزاری هستند. جامعه‌ی خوب باید شرایط را برای هر دو نوع آزادی‌ها فراهم آورد و توسعه توانایی انسان برای داشتن و برگزیدن انتخاب‌ها را تضمین کند.

خوب، درست عمل شود و در مسئله‌ی رتبه‌بندی آن‌ها نیز بهترین حالت همین است؛ بهترین حالت نسبت به استفاده از یک کیفیت همگن مثل مطلوبیت که در بهترین حالت، عدالت را صرفاً برای یک کالای درونی اعمال می‌کند و در بدترین حالت به نحو خودسرانه‌ای راجع به بهروزی انسان و دیگر کالاها نادرست است [178].

نوسبام نیز در این خصوص می‌افزاید که اغلب اوقات تغییر رتبه‌ی اجتماعی و حذف و یا دست‌کم تعویض برخی از این «انتخاب‌های تراژیک» ممکن است. او همچنین اشاره می‌کند که برخی تعارضات که منعکس‌کننده‌ی هویت فردی ما و محدودیت‌های انسانی‌اند احتمالاً غیرقابل حل است.

کاربست‌هایی برای نیازها، آزادی، حقوق و عدالت

سن امیدوار به استفاده از اخلاق توانمندی برای فراهم ساختن بنیانی ژرف‌نگر برای رهیافت نیازهای اولیه است. اما نوسبام استدلال می‌کند که نیازها فی‌نفسه در میان سایر عوامل مؤثر در بهروزی انسان نقش دارند. نخست، او استدلال می‌کند که «انسان‌ها نیاز دارند تا استعدادهای ارزشمندی را که در زمان تولدشان به همراه دارند توسعه داده و به استعدادهای

19. well-being freedom

20. agency freedom

که خواسته‌های فردی نه تنها باید بر حسب مطلوبیت، کالاهای اولیه اجتماعی و یا حقوق منفی، بلکه بر حسب آزادی برای انتخاب میان گزینه‌های مختلف و یا راه‌های زندگی کردن نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرند. پس عدالت به توزیع آزادی‌ها و کارکردها و به کیفیت توانمندی‌های اولیه مربوط است. بنابراین دولت‌ها باید به جای حمایت از حقوق تعداد معدودی برای پیشرفت به سطوح بالاتر و نادیده گرفتن سایر افراد جامعه، از خواسته‌های همه‌ی شهروندانشان تا تحقق سطوح اولیه‌ی آزادی و بهروزی حمایت کنند و توانایی آن‌ها را برای فراروی از سطح دوم نظریه‌ی نوسبام ارتقا دهند. در هر حال این نظریات به ویژه با لحاظ موضوعات مربوط به عدالت توزیعی بین‌المللی، نیاز به توضیح بیشتری دارند. اخلاق توانمندی تکثرگرا که سن و نوسبام به آن قوت بخشیده‌اند، چالشی مهم و تازه برای عاملین و پژوهشگران اخلاق توسعه‌ی بین‌المللی عرضه کرده است.

نظرات متفاوتی درباره‌ی اینکه چگونه انگاره‌ی حقوق با توانمندی‌ها و کارکردها تطابق و تلائم می‌یابند وجود دارد. نوسبام کاملاً دیدگاهی ابزاری اتخاذ می‌کند؛ او استدلال می‌کند، حقوق صرفاً هنگامی موجه‌اند که کارکردها و توانمندی‌ها را ارتقا بخشند. سایرین به ویژه نظریه‌پردازان حق‌بنیان^{۲۱} (نظریه‌پردازان وظیفه‌گرا^{۲۲}) نظیر نوزیک^{۲۳} تقدم را به حقوق می‌دهند و استدلال می‌کنند که حقوق نه ابزارند و نه غایت، بلکه قیودی بر هر دو این‌هایند. با این حال، سن حقوق (مثل آزادی) را هم به عنوان ابزار و هم به عنوان غایت می‌فهمد و حق اولیه یا حق توانمندی را به عنوان حق سطح حداقلی از توانمندی‌ها یا آزادی‌های اولیه تعریف می‌کند. او سپس «نظام حقوق هدف» نتیجه‌گرایانه را می‌سازد که در آن تحقق حقوق متضمن اهداف و معیاری برای ارزشیابی وضع امور و یا اعمال دولت است.

سن و نوسبام با طرح نظریاتی در باب عدالت توزیعی کار خود را آغاز می‌کنند که با اخلاق توانمندی همخوان است. سن بیان می‌کند

21. rights-based
22. deontological
23. Nozick

Notes

1. Amartya Sen, "Justice: Means versus Freedoms," *Philosophy and Public Affairs* 19 (1990), 111–121, p. 121.
2. Amartya Sen, "Well-Being, Agency and Freedom: The Dewey Lectures 1984," *Journal of Philosophy* 82 (1985), 169–221, p. 198.
3. Sen sees this kind of decision partly as a subject for "social choice." See Amartya Sen, "Rationality and Social Choice," *American Economic Review* 85(1), 1–25.
4. Martha Nussbaum, "Aristotelian Social Democracy," in *Liberalism and the Good*, eds. R. B. Douglass, G. R. Mara, and H. S. Richardson (New York and London: Routledge, 1990), 217.
5. Martha Nussbaum, "Human Functionings and Social Justice: In Defense of Aristotelian Essentialism," *Political Theory* 20(2), 202–246.
6. Martha Nussbaum, "Nature, Function, and Capability: Aristotle on Political Distribution," *Oxford Studies in Ancient Philosophy* (1988, suppl. vol., 145–184).